

این فایل ترجمه توسط وب سایت زبان امید تهیه شده است.
هر گونه کپی و یا استفاده از آن توسط وب سایت های
دیگر پیگرد قانونی خواهد داشت.

www.languagecentre.ir

ماجراجویی در هند

من یک سال را برای برنامه تبادل دانشجویی در هند گذرانده ام. این مداخل یادداشت های روزانه به زمان های خوب و بدی می پردازند که در آن جا تجربه کردم. آن ها به شما ایده ای می دهند که زندگی کردن در این کشور چه شکلی است.

6 ژوئیه

من ناگهان این احساس را دارم که در این شهر غریبه تنها هستم. فشار هفته های گذشته به تدریج افزایش یافته اند و کاملاً احساس بیچارگی می کنم. من با یک دانشجوی ژاپنی آشنا شدم و این عالی است که قادر باشم احساساتم را با شخص دیگری در میان بگذارم. البته که دوستان هندی من خیلی فهمیده هستند. اما اگر شما یک خارجی نباشید، واقعاً نمی توانید درک کنید که یک خارجی چقدر می تواند احساس تنهایی کند.

5 اوت

ما سوار قطار شدیم، خوابیدیم، کتاب خواندیم، صحبت کردیم، غذا خوردیم و طبیعت را تماشا کردیم. قبل از این که من متوجه شوم چه اتفاقی می افتد، 27 ساعت سفر را پشت سر گذاشته بودیم. ما به دهلی رسیده بودیم.

من واقعاً از آن سفر لذت بردم. ما تقریباً یک کوپه کامل برای خودمان داشتیم. با این که آن جا پرسر و صدا بود، من تقریباً خوب خوابیدم – حدس می زنم که قطار من را تکان داد تا خوابیدم. تنها مشکلی که وجود داشت معده ام بود که درد می کرد.

9 سپتامبر

ترجمه کتاب 1 Strategic Reading

یک گروه جدید از دانشجویان امروز وارد شهر شدند. همه آن ها تمیز، سرحال و کمی گیج به نظر می رسند. آن ها من را یاد رسیدن به این جا می اندازند. من ناگهان متوجه می شوم که چقدر یاد گرفته ام و این جا اکنون چقدر برای من آشنا تر است. من دیگر احساس گم شدن و بی خبری نمی کنم. من می دانم چطور راهم را در اطراف شهر پیدا کنم و چطور از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنم. این خیلی احساس خوبی است که کسی باشی که "می داند" – با این که من آن قدرها نمی دانم.

10 ژوئن

هفته های گذشته خیلی سریع گذشته اند. من فقط حدود یک ماه دیگر در این کشور می مانم. کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارند و زمان خیلی کمی هست. اتاق من پر از چیزهایی است که باید بسته بندی شوند، و ذهن من دارد تلاش می کند "تجربه هندی" ام را جمع بندی کند. همان طور که روزها می گذرند، سعی می کنم به همه چیزهایی که می خواهم به خاطر بسپارم فکر کنم. ذهن من پر از وقایع کوچک، غیر مهم و روزانه است که یک سال پیش نمی توانستم آن ها را تصور کنم.

23 ژوئن

به نظر می رسد که فصل مونسون (موسم باران) شروع شده باشد. در طول چند هفته گذشته، هر از گاهی باران باریده است. اما در چند صبح اخیر، ما بیدار شده ایم و دیده ایم که باغچه ما پر از آب شده است. همه این باران ها من را به یاد ورودم به این جا می اندازد و این که در آن موقع چقدر ترسیده بودم.

15 ژوئیه

همان طور که روز حرکت من نزدیک تر می شود، من خسته هستم، و مشتاق رفتن به کشورم هستم. من می خواهم کشور و خانواده ام را دوباره ببینم – هر چند که از ترک کردن هند متاسف هستم. من آن طوری که زمستان پیش دلم برای کشورم تنگ شده بود، دلتنگ نیستم. اکنون می گویم ای کاش می توانستم هند را با خودم به خانه برگردانم.

زبان بدن در ایالات متحده

در این جا چند نمونه از زبان بدن را ذکر می کنیم که شما باید در سفر به ایالات متحده به آن ها توجه کنید.

احوال پرسى و خداحافظى

بیشتر مردم وقتی که اولین بار با افراد دیگر ملاقات می کنند با آن ها دست داده و ارتباط چشمی برقرار می کنند. در میان دوستان خیلی خوب، یک زن ممکن است زن دیگری را کمی در آغوش بگیرد، و یک مرد ممکن است گونه زنی را به سرعت ببوسد. با این که مردها معمولا همدیگر را در آغوش نمی گیرند اما این رسم در حال تغییر است. مردها معمولا با دست راست دست می دهند. گاهی اوقات آن ها از دست چپ استفاده می کنند تا دست را پنهان کرده یا دست فرد دیگر را در دست خود نگه دارند. این کار دوستی و صمیمیت بیشتر را نشان می دهد.

اکثر مردم با دراز کردن دست و کف دست به طرف بیرون و چرخاندن دست در قسمت مچ سلام کرده یا خداحافظی می کنند. مهم است که این ها را بدانید زیرا در بسیاری از کشورهای دیگر همین حرکات به معنی "خیر" است.

زبان بدن در مکان های عمومی

هنگامی که مردم در یک مکان عمومی منتظر هستند، مثلا در اداره پست، آن ها معمولا صف می بندند. اگر کسی با هل دادن خود را داخل صف جا کند یا جلوی افراد دیگر که داخل صف هستند بپرد، بعضی از افراد داخل صف عصبانی شده و گله و شکایت می کنند.

هنوز خیلی از زن ها دوست دارند مردان درها را برای آن ها باز کنند. همچنین، آن ها مردانی را دوست دارند که جای خود را در وسایل حمل و نقل عمومی به آن ها بدهند. با این وجود، بعضی از زنان این نوع رفتار را دوست ندارند. آن ها احساس می کنند که با مردان و زنان باید به یک روش رفتار شود.

ترجمه کتاب Strategic Reading 1

برای این که از شخصی درخواست کنید به سمت شما بیاید دو روش متداول وجود دارد: گاهی اوقات، مردم انگشت اشاره را بلند کرده و سپس آن را به سرعت خم کرده و صاف می کنند. در مواقع دیگر، آن ها دست خود را بلند کرده (کف دست رو به داخل است) و انگشتان را به سرعت به سمت خود خم می کنند. هر دو روش مودبانه هستند. برای صدا زدن یک پیشخدمت، عموماً مردم فقط یک انگشت اشاره را تا سطح سر خود یا بالاتر بلند می کنند.

این برای مردم هم مرسوم و هم مودبانه است که از دست و انگشت اشاره برای اشاره کردن به اشیاء یا نشان دادن راه استفاده کنند.

زبان بدن در کسب و کار و در زندگی اجتماعی

مردم در ایالات متحده در هنگام صحبت کردن یا ایستادن در کنار هم معمولاً طوری می ایستند که تقریباً به اندازه یک دست از هم فاصله داشته باشند. این فضا "منطقه راحتی" نامیده می شود.

در ایالات متحده، مهم است که در موقعیت های اجتماعی و کسب و کار ارتباط چشمی مستقیم برقرار کنید. اگر شما ارتباط چشمی برقرار نکنید، مردم احتمالاً فکر می کنند که کسل هستید یا علاقه ندارید با آن ها صحبت کنید.

اگر در این موقعیت ها سکوت برقرار باشد، مردم معمولاً سعی می کنند مکالمه ای داشته باشند. دوره های سکوت بسیاری از مردم را ناراحت (معذب) می کند.

زبان بدن با کودکان

در ایالات متحده، گاهی اوقات مادران با تکان دادن انگشت اشاره به سمت کودکان خود به آن ها نشان می دهند که از دستشان عصبانی هستند. مردم با کشیدن دست به روی سر کودکان ممکن است به آن ها نشان دهند که دوستشان دارند.

کانون های بحران در ارتباط های میان فرهنگی

در جهان تجارت امروز، ما اغلب با افرادی آشنا می شویم که از فرهنگ هایی هستند که با فرهنگ خودمان تفاوت دارند. این تفاوت ها می توانند به سوء تفاهم هایی منجر شوند. برای داشتن ارتباطات موفق، مهم است که روش هایی را بشناسیم که سبک های محاوره ای در سر تا سر دنیا با هم فرق دارند.

شروع و پایان مکالمه: فرهنگ های متفاوت روش های متفاوتی برای احوال پرسی با افراد دارند. همچنین، آن ها قوانینی دارند که چه کسی اول صحبت کند و یک مکالمه چطور شروع شود و به پایان برسد. به طور مثال، وقتی که مردم آمریکای شمالی یک مکالمه را به پایان می برند، آن ها اغلب می گویند: "ما باید به زودی دوباره دور هم جمع شویم". با این حال، این معمولاً فقط شکلی از ادب است و یک دعوت واقعی نیست.

به نوبت حرف زدن در طول مکالمه

در بعضی از فرهنگ ها، مردم در طول مکالمه نوبتی صحبت می کنند. در فرهنگ های دیگر، مودبانه تر است که در سکوت به صحبت های طرف مقابل گوش کنید تا از شما بخواهد که صحبت کنید. وقتی که شخصی از شخص دیگر بزرگ تر است یا در یک جایگاه ارشد در یک شرکت است، این مسئله صدق می کند.

حرف طرف مقابل را قطع کردن: در بعضی از قسمت های دنیا، مردم اغلب صحبت همدیگر را قطع می کنند و عقاید محکم خود را بیان می کنند. برای افرادی که اهل اروپای شمالی و آمریکای شمالی هستند، این نوع مکالمه ممکن است شبیه یک نوع بحث به نظر برسد اما این طور نیست. این فقط یک سبک محاوره ای متفاوت است.

کاربرد سکوت: در آمریکای شمالی، اگر به مدت بیش از بیست ثانیه در طول یک جلسه سکوت برقرار شود، مردم ناراحت (معذب) می شوند. آن ها معمولاً با صحبت کردن این سکوت را می

ترجمه کتاب 1 Strategic Reading

شکنند. با این حال، این مسئله در همه جا اتفاق نمی افتد. در بعضی جاها، یک دوره سکوت بعد از این که شخصی صحبت کرده است، احترام به گوینده را نشان می دهد.

موضوعات مناسب برای مکالمه: موضوعات مکالمه نیز در سرتاسر جهان با هم متفاوت هستند. در بعضی جاها، مردم راجع به خانواده های خود با غریبه ها صحبت نمی کنند. با این حال، بیشتر مردم آمریکای شمالی، فکر می کنند که زندگی خانوادگی یک موضوع خوب است. به علاوه، در بعضی از فرهنگ ها مردم احساس آزادی می کنند تا راجع به این که یک چیز چقدر می ارزد یا این که شخصی چقدر پول در می آورد سوال کنند. برای مردم اهل آمریکای شمالی، موضوعات مربوط به پول موضوعاتی خصوصی هستند و برای صحبت با افرادی که آن ها را خوب نمی شناسند نامناسب هستند.

استفاده از شوخ طبعی: مردم اهل آمریکای شمالی غالباً از شوخ طبعی برای شکستن یخ مکالمه یا این که کاری کنند که مردم احساس راحتی کنند استفاده می کنند. با این وجود، در بعضی از فرهنگ ها، مردم فکر می کنند که خندیدن و شوخ طبعی نشان دهنده بی احترامی است. آن ها هرگز در برخورد با غریبه ها از شوخ طبعی استفاده نمی کنند.

دانستن این که چقدر بگویید: در بعضی از فرهنگ ها، مردم معمولاً زمان صرف می کنند تا در یک بحث به موضوعی اشاره کنند. آن ها ممکن است با یک مقدمه طولانی برای نکته ای که می خواهند مطرح کنند صحبت خود را شروع کنند و با یک نتیجه گیری طولانی صحبت خود را به پایان برسانند. مردم آمریکای شمالی، اغلب به طور مستقیم تری صحبت می کنند. این امر ممکن است برای افرادی که به این روش عادت ندارند غیر مودبانه به نظر برسد.

زمان بندی: چه زمانی مناسب است تا یک موضوع حساس را به یک مکالمه وارد کنید؟ به طور مثال، دو نفر تاجر را در نظر بگیرید که راجع به پول با هم اختلاف دارند. در بعضی از فرهنگ ها، مودبانه تر است که اول راجع به موضوعاتی بحث کنید که حساسیت کمتری دارند. در فرهنگ های دیگر، خوب است که در اوایل مکالمه راجع به چیزهایی که اختلاف دارید صحبت کنید. برای داشتن ارتباط های بین فرهنگی موفق، خیلی مهم است که راجع به موضوع مناسب در زمان مناسب آن صحبت کنید.